

حضور همراه با درستکاری

درستی و امانت داری به ارمغان آورنده یکپارچگی کامل است، و به این معنی است که اعمال ما، افکار ما، احساسات ما، ایده‌های ما و ارزش‌های ما همگی با همدیگر همخوانی داشته باشند.

پاک زیستن، فصل ۳، "روحانیت قابل اجراست"

بسیاری از ما فکر می‌کنیم درستکاری، صداقت داشتن و قابل اطمینان بودن است، و اینکه روی قول‌مان بمانیم. اگر چه این کاملاً درست است اما درستکاری معنایی عمیق‌تر و ظریف‌تر دارد که ما معمولاً در نظر نمی‌گیریم: کامل بودن، خود واقعی‌مان بودن و اینکه مهم نباشد در حضور چه کسی هستیم و در هر لحظه‌ای خود کامل‌مان باشیم.

در زمان اعتیاد فعال، اغلب عدم درستکاری ما آشکار بود. ما قابل اعتماد، ارزشمند و مسئولیت‌پذیر نبودیم، در واقع خود کامل‌مان نبودیم. ما بخش‌هایی از واقعیت و خودمان را حذف کرده بودیم. یکی از اعضاء به شوخی می‌گفت: "من مثل یک میز بودم که سه پایه دارد. آره من می‌توانستم سرپا بایستم اما سعی نکن به من تکیه کنی."

ما وجود خود را به قسمت‌های کوچک تقسیم کرده بودیم. ما با بعضی‌ها به روش خاصی رفتار می‌کردیم و با برخی دیگر نه، و زندگی دوگانه و گاه چندگانه‌ای را به پیش می‌بردیم. این روش‌ها می‌توانند در بهبودی هم بدنبال ما بیابند. اینکه در ظاهر ما چگونه عمل می‌کنیم و به نظر می‌آییم، همیشه با آن چیزی که واقعاً از درون هستیم - یا تلاش می‌کنیم باشیم - مطابقت ندارد. یکی از اعضاء این موضوع را این گونه می‌گفت: "امروز وقتی نواقصم - مثل ترس و قضاوت - را در احساساتم می‌بینم و از روی آنها عمل می‌کنم می‌فهمم که با ارزش‌هایم هم راستا نیستند، در عوض سعی می‌کنم تا جایی که ممکن است خود واقعی و صادق‌م باشم. این "خود" همان "من ایده‌آل" است که می‌خواهم در روابط و واکنش‌هایم باشم."

بعید است که احساسات ما همیشه با آرمان‌ها و ارزش‌های ما مطابقت داشته باشد. این عدم تطابق می‌تواند خلاقانه باشد، ما یاد می‌گیریم کارهایی از سر عشق انجام دهیم. حتی وقتی لزوماً عشق را احساس نمی‌کنیم. برای مثال ما می‌توانیم با عضوی که دوستش نداریم با مهربانی و احترام برخورد کنیم. ما می‌توانیم درست در کنار عضوی خدمت کنیم که حتی ممکن است گاهی در خیال‌مان آرزو کنیم کاش می‌توانستیم او را به باتلاقی پر از تمساح هل بدهیم. زمان‌های دیگر احساسات ما کمتر واکنشی هستند، و بیشتر با وجدان ما مطابقت دارند تا نواقص ما. در چنین مواقعی است که ممکن است لازم باشد. ما به رفتار یک فرد دیگر بپردازیم. درستکاری راهنمای تصمیمات و چگونگی بیان ما در آن لحظات است. این به ما اجازه می‌دهد تا خطر ناامیدی و عصبانیت دیگران را بپذیریم. این روراستی با خودمان است، همان صداقت و قابل اطمینان بودن، این عشق است.

من با اطمینان به تمامی آنچه هستم درستکاری را تمرین خواهم کرد. من مطمئن می‌شوم که اعمال من منعکس‌کننده درونم باشند. من به این مسیر ادامه خواهم داد تا وجدانم را از واکنش‌هایم متمایز کنم - و البته هر جا قول داده باشم - حضور پیدا کنم.